**دکتر آگوست کنکل، ضرب المثل ها، جلسه هفدهم**

© 2024 آگوست کنکل و تد هیلدبرانت

این دکتر آگوست کانکل در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۷، دستورالعمل‌هایی برای یک زندگی متمدن است. امثال ۲۷:۲۳-۲۹.۲۷.

به گفتگوی کوتاهی در مورد امثال خوش آمدید که به پایان مجموعه‌ای می‌پردازد که گفته می‌شود متعلق به مردان دربار حزقیا است.

این تقریباً مضمون فصل‌های ۲۸ و ۲۹ است. موضوعات متنوعی در این دو فصل مورد بحث قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد همه آنها بر چگونگی نیاز ما به یک حکومت خوب برای یک جامعه خوب تمرکز دارند. اما من قصد دارم فصل‌های ۲۸ و ۲۹ را با بخش آخر فصل ۲۷ معرفی کنم، که در امثال نسبتاً منحصر به فرد است.

هیچ چیز دیگری کاملاً شبیه به آن نیست، و هیچ کس دقیقاً نمی‌داند که آن را کجا قرار دهد. اما به نظر من، آیات ۲۳ تا ۲۷ کتاب امثال، می‌توانند مقدمه‌ای بر کل این بخش در مورد یک جامعه خوب و یک زندگی متمدن باشند. اساساً، آنچه این آیات به ما می‌گویند این است که خداوند تدارکات لازم را به ما داده است تا بتوانیم ضروریات زندگی را برآورده کنیم.

و این آیات همچنین به ما می‌گویند که این چیزها از جانب خدا می‌آیند. نباید در این مورد اشتباه کنیم. حال، به نظر می‌رسد که آنها به روش‌های بسیار عادی و چیزهای بسیار عادی می‌آیند، و ممکن است مهم به نظر نرسند، اما از همه مهم‌ترند.

مراقبت کنید . حالا، این به چه چیزی مربوط می‌شود؟ خب، به دو چیز ضروری که برای زندگی به آنها نیاز داریم، یعنی غذا و لباس، مربوط می‌شود. هر دو توسط گوسفندان تأمین می‌شوند.

همانطور که پولس می‌گوید، داشتن خوراک و پوشاک، قناعت است. حال، اگر واقعاً می‌دانستیم که این به چه معناست، و اگر واقعاً می‌دانستیم که چگونه از آن پیروی کنیم، واقعاً می‌توانستیم جامعه‌ای سالم و مرفه داشته باشیم. اما ما نمی‌دانیم که این به چه معناست.

و ما تمام عمرمان را صرف فهمیدن این می‌کنیم که این غذا در شرایط خاص ما، در مکان ما و در زمان ما چه معنایی باید داشته باشد. بنابراین، این ضرب‌المثل‌های کوچک به ما یادآوری می‌کنند که این آذوقه‌های غذایی، هر چه که درست کنیم و برای خودمان در انبارهایمان ذخیره کنیم، همیشه موقتی هستند. ما دائماً باید به دنبال آن آذوقه پایدار باشیم که از جانب خدا می‌آید.

ما نمی‌توانیم از قبل به اندازه کافی ذخیره کنیم که آذوقه ما باشد. بنابراین، این یادآوری است که ما واقعاً روز به روز، لحظه به لحظه، برای سلامتی خود، برای چیزهایی که نیاز داریم، به خدا اعتماد داریم. اما خدا آینده ما را تأمین می‌کند، زیرا خدا مرتباً علف سبز می‌فرستد و زندگی گوسفندان و بزها را تأمین می‌کند.

و اگر ما از این آذوقه، مزارع و گله‌هایمان، به خوبی مراقبت کنیم، خانواده‌هایمان همگی خوب خواهند بود. و بنابراین، تقریباً به همین سادگی است. و با این حال، از آنجا که، البته، ما نمی‌توانیم صرفاً با غذا و لباس راضی باشیم، و از آنجا که در استفاده از آن آذوقه‌ای که خدا برای ما در نظر گرفته است، کار خیلی خوبی انجام نمی‌دهیم، چالش‌های زیادی در جامعه خود داریم.

حال، موضوعی در این دو فصل وجود دارد که من آن را حکومت خوب یا تباهی جامعه نامیده‌ام. و تمام این ضرب‌المثل‌هایی که در اینجا فهرست کرده‌ام، در این نوع تضاد قرار می‌گیرند. حکومت درستکاری شکوه و جلال دارد، اما حکومت بدکاران، افراد خوبی را که در آن هستند، محو می‌کند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که همه بد هستند. این آیه ۱۲ از باب ۲۸ است. و سپس، همین فکر دوباره در آیه ۲۸:۲۸ تکرار می‌شود.

حکومت صالحان نعمتی دارد. این حکومت، انسان‌های خوب را توانمند می‌سازد، اما انسان‌های بد، انسان‌های خوب را نابود می‌کنند. سپس، تنها چند آیه بعد از آن، در فصل ۲۹، آیه ۲، سعادت حکومت صالحان را داریم.

حکومت صالح، انسان‌های خوب را توانمند می‌سازد، اما حکومت شرور، انسان‌های خوب را نابود می‌کند. و سرانجام، در انتهای این دو باب، در آیه ۱۶، ترتیب حکومت صالحان بسیار ضروری است، زیرا وقتی حکومت بد وجود دارد، چیزی که نصیبمان می‌شود جرم است. و وقتی جرم نصیبمان می‌شود، همواره نابودی جامعه را خواهیم داشت.

حال، واضح است که اینها به هیچ وجه، فواصل بین این دو باب نیستند، زیرا به هیچ وجه، فاصله یکسانی ندارند، اما یک بن‌مایه تکرارشونده هستند. و به عنوان یک بن‌مایه تکرارشونده، به نظر می‌رسد که آنها چیزی در مورد نحوه نگاه ما به پیام اساسی این باب‌ها به ما می‌گویند. بنابراین، این باب‌ها با آنچه که ما چندین بار در این گفتگوها در مورد امثال، ارزش‌های تورات، بر آن تأکید کرده‌ایم، آغاز می‌شوند، که به معنای چیزهایی است که طبق وحی الهی مهم هستند، چیزهایی که طبق آموزه‌های خدا مهم هستند.

و بنابراین، من آیاتی را در این یازده فصل اول انتخاب کرده‌ام که بر برخی از این ارزش‌ها تأکید دارند. آنها به شما امنیت می‌دهند. آنها شما را قادر می‌سازند تا برای حق مبارزه کنید.

آنها به شما درکی از عدالت می‌دهند. سوال خیلی خیلی بزرگی است. عدالت چیست؟ اما شما باید ارزش‌های درستی داشته باشید تا بتوانید در هر موقعیت خاص، عدالت را تعیین کنید.

این درستکاری از ثروت هم ارزشمندتر است. باید به والدین احترام گذاشت و به این اعتماد داشت که خدا اشتباهات را اصلاح خواهد کرد، زیرا همیشه آنطور که باید پیش نمی‌روند. و بعد عکسِ خوبی حکمفرما می‌شود.

گاهی اوقات افراد فقیر از دیگر فقرا سوءاستفاده می‌کنند. چه وضعیت غم‌انگیزی. من به یاد دارم که یک مبلغ مذهبی در چاد در مورد یکی از دلخراش‌ترین چیزهایی که دیده بود صحبت می‌کرد و آن این بود که مردم فقیر چاد در تلاش برای کمک به خودشان، به یکدیگر خیانت می‌کردند و به یکدیگر آسیب می‌زدند.

جایی که دعا برای کسانی که ایمان ندارند رد می‌شود، وقتی که ما در دام نقشه‌هایی که برای دیگران کشیده شده گرفتار می‌شویم. خودفریبی ثروت که فکر می‌کنیم در ثروت امنیت وجود دارد. حال، یکی از بزرگترین دام‌های زندگی، طمع است.

به هر حال، تشخیص این موضوع خیلی سخت است. دوست دارم همیشه فکر کنم از داشته‌هایم راضی هستم. با این حال چیزی که همیشه در مورد خودم می‌فهمم این است که اگر کمی بیشتر داشتم، فقط کمی بهتر می‌شد.

و فکر می‌کنم این چیزی است که خلاص شدن از آن برای ما سخت است. و نکته دیگر این است که اگر چیزی را که از قبل دارم از دست بدهم، حتی اگر بتوانم بدون آن به خوبی کنار بیایم، احساس می‌کنم که بی‌عدالتی وحشتناکی در حق من شده است. بنابراین، باید مراقب این دام طمع باشیم.

و امثال اینجا با گفتن درباره برکت رحمت شروع می‌شوند. این موضوع قبلاً مطرح شده است، اما همه ما گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم. و چیزی که ما نیاز داریم فرصتی برای نشان دادن رحمت و وقوع بخشش است .

طمع مجازات خاص خود را دارد. گرفتن جان برای سود، منجر به سقوط به ورطه می‌شود. تظاهر به درستکاری، منجر به سقوط به ورطه می‌شود.

طرفداری برای یک تکه نان، ویرانی به بار می‌آورد. این ضرب‌المثل‌ها به شیوه‌ای بسیار بسیار تأثرانگیز، نکته‌ی خود را بیان می‌کنند. اما شاید بدتر از همه، غارت والدین، بدترین نوع خرابکاری باشد.

و البته این بخش در اینجا با تضاد سرنوشت‌ها به پایان می‌رسد. حاکمان حریص سختی ایجاد می‌کنند. کار صادقانه امرار معاش می‌کند، اما البته، انواع نادرست فعالیت‌ها منجر به فقر می‌شود.

افراد قابل اعتماد خوشبخت هستند، اما دنبال کردن ثروت به خاطر خود ثروت در واقع ما را فقیر می‌کند. طعنه‌های مختلفی که در نحوه زندگی ما وجود دارد. بنابراین به فصل ۲۹ می‌رویم که من آن را حکمت برای اصلاح و عدالت نامیده‌ام.

و سپس، چند نکته وجود دارد که به ما کمک می‌کند تا سعی کنیم مسائل را در نظر داشته باشیم. رد کردن اصلاح، آسیب خواهد رساند. گاهی اوقات ممکن است اعمال اصلاحی که باید انجام دهیم دشوار به نظر برسد، اما عدم انجام آن بسیار آسیب‌زا است.

عدالت، جامعه را پشتیبانی می‌کند، در حالی که فریب و نیرنگ ، آن را نابود می‌کند. عادلان، حقوق فقرا را می‌دانند. شریران این را نمی‌فهمند.

خرد، آرامش را فراهم می‌کند. و در اینجا دوباره، بن‌مایه‌هایی وجود دارد که قبلاً به آنها اشاره کرده‌ایم. اما خردمندان با نادانان کنار می‌آیند و نادانان خشمگین و متکبر باقی می‌مانند.

قاتلان آدم‌های نفرت‌انگیزی هستند. خردمندان به دنبال نجات خواهند بود. برگردیم به موتیف حاکم.

حاکمی که فریب و دروغ را درک نکند، در نهایت با دروغگوها کار خواهد کرد. حاکم بودن آسان نیست. من در واقع رئیس جمهور بوده‌ام و همیشه باید مراقب آنچه مردم به شما می‌گویند باشید زیرا دلایل مختلفی وجود دارد که چرا مردم چیزهایی را به شما می‌گویند.

و گاهی اوقات آنها چیزهایی را به شما می‌گویند که قرار نیست تصویر روشنی ارائه دهند، بلکه قرار است تصویر خودشان را به شما نشان دهند . و حاکمانی که این چیزها را درک نمی‌کنند، در نهایت حرف کسانی را که چیزهایی نادرست به شما می‌گویند باور می‌کنند. صرفاً به این دلیل که کسی مورد ظلم قرار گرفته است، به این معنی نیست که او از ظالم خود پست‌تر است.

جالب است که همیشه این گرایش وجود دارد که وقتی کسی پولدار یا بانفوذ است، یا قدرت دارد، ما به آن شخص احترام می‌گذاریم. اما این می‌تواند بدترین نوع اشتباه باشد. این پادشاه است که به دنبال عدالت است و پادشاهی امنی دارد.

و در نهایت چند نکته در مورد اصلاح. اینکه همیشه نیاز به اصلاح وجود دارد، و گاهی اوقات اصلاح باید بسیار خشن و شاید حتی قهری باشد. کتاب مقدس از استفاده از اصطلاح تنبیه ترسی ندارد.

البته گاهی اوقات، اجبار فیزیکی واقعی ضروری می‌شود. و باید متناسب با هر سن و هر جرمی باشد، اما گاهی اوقات صرفاً باید اجبار باشد. و اگر آن اجبار به موقع انجام نشود، در نهایت با اجبار دولت مواجه می‌شویم، به این معنی که شما به زور به زندان یا چیز دیگری فرستاده می‌شوید.

چندی پیش، از من خواسته شد که تفسیری بر تثنیه برای ترجمه نسخه استاندارد انگلیسی بنویسم. اما یکی از تأمل‌برانگیزترین بخش‌هایی که پیدا کردم این بود که والدین با فرزندی که کاملاً سرکش است و به سادگی نمی‌تواند او را کنترل کند، چه می‌کنند. خب، واقعیت این است که قرار نیست والدین تنها گذاشته شوند.

و جالب اینجاست که تثنیه برای این امر تمهیداتی را فراهم می‌کند. وقتی کودکی از مرزهایی که والدین خود قادر به انجام آن هستند فراتر می‌رود، این امر به مداخله جامعه تبدیل می‌شود و خود والدین باید کودک را به جامعه ببرند تا مسیر صحیح مرزها تعیین شود، حتی اگر این مرزها با اجبار تعیین شوند. بنابراین، اینها برخی از دستورالعمل‌ها در اینجا در مورد این موضوع هستند، آنچه ما نبوت می‌نامیم و آنچه ما تورات می‌نامیم، همگی بخشی از این دستورالعمل هستند، دقیقاً همانطور که در مزمور فصل ۱، آیات ۱ و ۲ آمده است.

آن فقدان انضباط به سادگی دردسرساز خواهد شد. اما برعکس، فروتنی و اعتماد، زندگی را به ارمغان می‌آورد. اگر نتوانیم خشم خود را کنترل کنیم، رنجش به وجود خواهد آمد.

غرور باعث سقوط خواهد شد. دریافت اموال دزدی اگر شما را در برابر دیگران گناهکار نکند، شما را در برابر خدا گناهکار خواهد کرد. و باز هم، تورات در این مورد سخنانی دارد که می‌گوید ترس از قدرتمندان می‌تواند یک دام باشد.

کاری که باید انجام دهیم این است که یاد بگیریم به خداوند اعتماد کنیم. البته، افراد درستکار و بدکار در مورد مسائل بسیار متفاوت فکر می‌کنند. انتخاب صرفاً رفتار نیست، بلکه یک نگرش است.

این نحوه‌ی مشاهده‌ی شماست. این چیزی است که فکر می‌کنید ارزشمند است. این چیزی است که فکر می‌کنید مهم است.

و شریران هرگز از کسانی که درستکار هستند و در زندگی خود رفتارهای بسیار بسیار بدی از خود نشان می‌دهند، خوششان نخواهد آمد. بنابراین، اینها فقط مشاهدات مختلفی هستند که باید بارها و بارها مرور کنیم زیرا همه ما در جوامع پر از تضاد زندگی می‌کنیم. همه ما در جوامعی با حکومت ناقص زندگی می‌کنیم.

و ما باید با دقت زیادی در مورد چگونگی عملکرد عاقلانه خود در زندگی درست فکر کنیم تا مشخص شود چه کسانی شرور و غیرصالح هستند و بتوانیم اطرافیان خود را قادر سازیم تا از آرامش و زندگی دلخواه خود برخوردار شوند.

این دکتر آگوست کانکل در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۷، دستورالعمل‌هایی برای یک زندگی متمدن است. امثال ۲۷:۲۳-۲۹.۲۷.